

جشن نامه‌ی
استاد فریدون نوزاد

به کوشش:
فرامرز طالبی



سرشناسنامه: طالبی، فرامرز ۱۳۲۹ -
 عنوان و پدیدآور: جشن‌نامه‌ی استاد فریدون نوزاد
 مشخصات نشر: رشت، فرهنگ‌ایلیا، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری: ۳۳۰ ص.
 شابک: ۷-۴۲۶-۱۹۰-۹۶۴-۹۷۸
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبای مختصر
 یادداشت: فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی:
<http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است
 شماره کتاب‌خانه ملی: ۳۸۵۷۴۶۳



• به‌کوشش: فرامرز طالبی	• جشن‌نامه استاد فریدون نوزاد
• شماره نشر: ۵۱۲	• چاپ نخست: ۱۳۹۴
• شماره نسخه: ۵۰۰	• شمارگان: ۵۰۰
• صفحه‌آرایی: وحید باقری	• حروفچینی و آماده‌سازی: کارگاه نشر فرهنگ‌ایلیا
• همه‌ی حقوق این کتاب محفوظ است.	
• شابک: ۷-۴۲۶-۱۹۰-۹۶۴-۹۷۸	
• نشر فرهنگ‌ایلیا: رشت، خ آزادگان، جنب دبیرستان بهشتی، خ صفایی، خ حاتم، شماره ۴۹	
• تلفن: ۳۳۳۴۴۷۲۲ ۳۳۳۴۴۷۲۲ ۰۱۳-۳۳۳۴۴۷۲۲	• دورنگار: ۳۳۳۲۱۸۲۸ ۰۱۳-۳۳۳۲۱۸۲۸
Email: nashreilia@yahoo.com www.farhangeilia.ir	

فهرست

- یادداشت حوزه‌ی هنری گیلان ۷
- آبروی فرهنگ ولایت ما (فرامرز طالبی) ۹
- گاه‌شمار زندگی و آثار فریدون نوزاد (رضا نوزاد) ۱۱
- ما به گیلان بدهکاریم (فریدون نوزاد) ۱۷
- فصل نخست: در بزرگداشت شخصیت استاد فریدون نوزاد و معرفی برخی آثار او
- گوشه‌نشینان ایرانشناس (ایرج افشار) ۲۷
- نوزاد همواره نوزاد! (احمد اداره‌چی گیلانی) ۲۹
- اولین دیدار (محمدعلی فائق) ۳۷
- دانشی مردی شایسته آفرین (احمد علی دوست) ۳۹
- یادی به یادگاری (مصطفی فرض‌پور ماجپانی) ۴۳
- استاد تناتر (انوش نصر ماسوله) ۴۹
- «دامون» و استاد (م.پ. جکتاجی) ۵۳
- نوزاد و موسیقی (کریم کوچکی‌زاد) ۶۱
- گبی درباره‌ی گیله‌گب (دکتر محرم رضایتی کیشه‌خاله) ۷۱
- نوزاد و تناتر گیلان (فرامرز طالبی) ۷۷
- سرنوشت برخی از سندهای نمایشی استاد فریدون نوزاد (فرامرز طالبی) ۱۰۰
- کارنامه‌ی درخشان مطبوعات گیلان (فرامرز طالبی) ۱۰۳
- شان شایستگی (محسن آریاباد) ۱۰۷
- در نیابد حال پخته هیچ خام (ابراهیم شکری) ۱۱۹
- زبان به مثابه‌ی بازآفرینی زیبایی (هوشنگ عباسی) ۱۲۵

نگاهی به کتاب نامه‌های خان احمدخان گیلان (دکتر فریدون شایسته).....	۱۳۳
شاید... مقدمه‌ای بر خاطراتی (علی نوزاد، رضا نوزاد).....	۱۳۹
پدروم (حسن نوزاد).....	۱۵۵
توا از آبی و معنایت زلالی است (زهرا سیاوش آبکنار).....	۱۵۷
خاطرات من با استاد نوزاد (دکتر مهران برزگر ماچیان).....	۱۶۱
مهری که در دل کودکان درخشید (حمیرا خداپنده).....	۱۷۷

فصل دوم: گزیده آثار استاد فریدون نوزاد

مخفی رشتی.....	۱۸۳
مجمع امید ترقی.....	۱۹۷
انجمن فرهنگ.....	۲۰۹
درباره‌ی تاریخ سالوک معلم.....	۲۱۵
مقدمه‌ای بر تاریخ جراید و مجلات گیلان.....	۲۲۳
روزنامه خیرالکلام.....	۲۳۱
مشاهیر گیلان در نامه‌های خان احمد گیلانی.....	۲۴۹
واژه‌های اوستائی و پهلوی.....	۲۶۳
واژه نامه گویش گیلکی.....	۲۷۱

فصل سوم: عکس‌ها.....	۲۸۱
----------------------	-----

یادداشت حوزه‌ی هنری گیلان

فریدون نوزاد نامی ممتاز در عرصه‌ی فرهنگ و هنر گیلان است. این سروکهنسال که اکنون دهمین دهه از زندگی خویش را می‌گذراند بیش از هشت دهه عمر خویش را صرف ادبیات، نمایش، پژوهش‌های تاریخی - فرهنگی، گیلان‌شناسی، روزنامه‌نگاری و... کرده و آثار درخوری از خود بر جای گذاشته است که برخی از آن‌ها تکرارناشدنی و بی‌بدیل است.

بی‌شک نوزاد پیشکسوت‌ترین اهالی فرهنگ و هنر این استان است که تاریخ پرفراز و نشیب معاصر را از نزدیک درک کرده و درنور دیده و هرگز در طول این سال‌ها به حاشیه نرفته است. شاید دلیل مانایی نوزاد از پانزدهمین و نزدیک به یک قرن تلاش مداوم و بی‌حاشیه باشد که او را برای نسل حاضر، ممتاز ساخته است.

شخصیتی که پانزده سال پیش در «شکرانه‌ی حضورش» به جشن نشستیم و امروز با افتخار «جشن‌نامه‌ی حضورش» را به کمک هنرمندان و پژوهشگران این سرزمین به دست چاپ می‌سپاریم. باشد که بزرگی‌اش آینه‌ای پیش روی هنرمندان و پژوهشگران جوان این سرزمین باشد.

حوزه‌ی هنری گیلان ضمن سپاسگزاری از پژوهشگر گرانقدر جناب آقای فرامرز طالبی و ناشر محترم که گردآوری و آماده‌سازی این اثر را بر عهده گرفتند، این اثر را به همه‌ی پاسداران فرهیخته‌ی فرهنگ و هنر این سرزمین تقدیم می‌کند.

آبروی فرهنگ ولایت ما

استاد فریدون نوزاد، بخشی از میراث فرهنگی معنوی چند نسل در گیلان است؛ نسلی که از دهه‌ی ۲۰ همراه او با صحنه‌ی تئاتر آشنا شد، نمایش نوشت، بازی کرد و کارگردانی نقش‌های ساده و پیچیده‌ی شخصیت‌های نمایشی شد تا مردم برای دیدن آن‌ها صف بکشند و با رمزگشایی دراماتیک شخصیت‌های نمایش بخندند و اشک بریزند. نسلی که شاهد کودتای ۱۳۳۲ بود، شاهد خاموشی فضای فرهنگی و فعالیت‌های مدنی. چه باک! کتاب و کتابخانه‌ی فرهنگ ایران پیش روی او بود، همو در همین دوره گوش به آوازهای مقامی خاکستری وطنی داد، پژوهشگر شد و سرشت دراماتیک فرهنگ سرزمین خود را در ورق ورق نشریه‌های صاحب سبک تهران ثبت کرد و دهه‌ی ۴۰ آمد، و شاهد شکوفایی فرهنگی بعد از کودتای ۱۳۳۲ شد. و مدرنیستی که از یک سو پدیده‌های نو را برای انسان جامعه‌ی ما بازنمایی کرد - گاه هم‌چون غولی این پدیده‌ی زیبا، ترسناک نیز بود - و او همچنان کنجکاو خواند و نوشت و شهادت داد تا... امروز روز. حال این فریدون نوزاد است که دیدبان تاریخ فرهنگ ولایت ماست، می‌نویسد و شهادت می‌دهد از تاریخ، ادبیات، فرهنگ مردم، تئاتر، شعر و شاعری و زبان گیلکی.

بلندآوازه مردی که با گذشت زمان، قامت بلند او خم نشد. می‌نویسد و به دست من و تو می‌دهد، پا به مجلس‌های فرهنگی می‌گذارد و راه نشان می‌دهد. آینده‌ای ست در برابر خود و در برابر ما و در برابر زمان از دست رفته، و آینده‌ای ست برای زمان پیش‌رو.

خواندن و نوشتن و زندگی شاعرانه داشتن در بیش از ۸ دهه کافی است که امروز حاصل عمر او را میراث فرهنگی نوزاد بنماییم. فراهم‌آوری این مجموعه به پاس زحمات اوست و پیشکشی برای او.

در به انجام رساندن این مجموعه، رضا نوزاد یک لحظه تنهایی نگذاشت و باید سپاسگزار هادی میرزائزاد موحد، وحید باقری و سرکارخانم متین باقری باشم.

فرامرز طالبی

رشت - ۲۰ فروردین ۱۳۹۴

گاه‌شمار زندگی و آثار فریدون نوزاد

تولد در محله درویش مخلص رشت، فرزند صغرا (مقرب) و حسین، سرهنگ شهربانی	۶	بهمن	۱۳۰۱
ابتدائی در دبستان رودکی نمره ۴ رشت		مهر	۱۳۰۷
شستم ابتدائی - سرودن اولین شعر - زمانی که در مدرسه رودکی درس می‌خواندند			۱۳۱۳
سه سال اول متوسطه - دبیرستان شاهپور و قآنی رشت			۱۳۱۴
شروع کار تئاتر و شرکت در کانون‌های هنری و ادبی و تاریخی دبیرستان			۱۳۱۶
ثبت نام در دبیرستان نظام	۱۲	۶	۱۳۱۸
عضویت در جمعیت درخشان مرحوم عبدالله رنجبر و کناره‌گیری زود هنگام (پس از دو جلسه)		تیر	۱۳۲۰
استعفا از دبیرستان نظام		تابستان	۱۳۲۱
تشکیل حزب میهن‌پرستان در رشت، ائتلاف این حزب با احزاب پیکار و تشکیل حزب میهن و پیوستن این حزب به حزب ایران			۱۳۲۱ تا ۱۳۲۵
خبرنگاری روزنامه‌های پیام و نبرد امروز (هر دو وابسته به حزب میهن) و روزنامه جبهه ارگان حزب ایران			۱۳۲۱ تا ۱۳۲۸
پایه‌ریزی و عضویت در انجمن ادبی گیلان			۱۳۳۲
عضویت در شرکت هنر و اجرای نقش در نمایشنامه ریشارد دارلینگتون اثر الکساندر دوما پسر	۲۴	تیر	۱۳۳۳
نقش‌آفرینی در نمایشنامه جریده فلاح و دریافت تقدیرنامه		زمستان	
نقش‌آفرینی در نمایشنامه نادرشاه اثر نریمان نریمانوف. کاری از استودیو درام گیلان	۱۱	اسفند	

نقش آفرینی در نمایش قضاوت دنیا یا جزای روزگار اثر برچسگادف یا السکاندر شیروان زاده به نفع دارالایام رشت	۱۴	اردیبهشت	۱۳۲۴
نقش آفرینی در نمایش ازدواج اثر گوگول	۱۸	خرداد	
اجرای نمایشنامه های قضاوت دنیا و ازدواج در بهشهر	۱۴ و ۱۳	مرداد	
اجرای نمایشنامه های قضاوت دنیا و ازدواج در شاهی (قائم شهر)	۱۷ و ۱۶	مرداد	
اجرای نمایشنامه های قضاوت دنیا و ازدواج در شیرگاه	۱۹ و ۱۸	مرداد	
اجرای نمایشنامه های قضاوت دنیا و ازدواج در ساری	۲۲ و ۲۱	مرداد	
اجرای نمایشنامه های قضاوت دنیا و ازدواج در بابل		مرداد	
نقش آفرینی در نمایشنامه های عدالت بشر یا محکوم بی گناه و نفرین خنیاگر	۱۹	شهریور	
انحلال شرکت هنر		شهریور	
عضویت در استودیو درام گیلان و ۱۳ ماه همکاری چاپ نمایشنامه در راه مکه یا شهادت خواجه نظام الملک کارگردانی و نقش آفرینی مازیار در نمایشنامه مازیار اثر صادق هدایت	۲۰	مهر	
تشکیل کانون هنرپیشگان گیلان با همراهی احمد برومند، کیهان دیوانیگی، سید محمد رئیس زاده، میرهادی تقوی و خسرو تسلیمی	۱	آبان	
کارگردانی نمایشنامه خدا و حقیقت			
استعفا از کانون پیروز و ادامه همکاری بدون مسئولیت با آن	۱	بهمن	
اجرای نمایشنامه محکومین محیط اثر فریدون نوزاد در سن شهرداری رشت		اسفند	
عضویت در حزب ایران - عضو شورای ایالتی حزب بنیانگذاری کلاس تئاتر ایران و آموزش بازیگری کناره گیری از تحزب و کارهای سیاسی	۱۵	خرداد	۱۳۲۵
اجرای نمایشنامه نازیا یا عشق و خیانت اثر فریدون نوزاد توسط رئیس زاده به مدت ۱۱ شب در سالن ارامنه رشت		زمستان	

عضویت در استودیو درام			
خبرنگاری روزنامه جبهه	۱	فروردین	۱۳۲۶
عضویت در کمیسیون تدوین اساسنامه در اولین کنگره	۲۶	فروردین	۱۳۲۷
سراسری حزب ایران - تهران			
اجرای نمایشنامه در متجارب بدبختی اثر فریدون نوزاد	۲۷ و ۲۶	اردیبهشت	
توسط محمدرئیس‌زاده			
اجرای نمایشنامه نازیا یا عشق و خیانت اثر فریدون نوزاد	۱	بهمن	
توسط محمد رئیس‌زاده			
چاپ سالنمای هنر			۱۳۲۸
ازدواج با ایراندخت غلامعلی‌زاده شایگانی	۱۴	مرداد	
اجرای نمایشنامه نازیا یا عشق و خیانت اثر فریدون نوزاد	۶ و ۵	بهمن	
توسط محمد رئیس‌زاده در اتزلی			
استخدام در بانک بازرگانی ایران شعبه رشت	۲۷	تیر	۱۳۳۰
سرگیری روزنامه صفدر به مدیریت محمدصادق غنچه	۲۹	مهر	
تا شماره ۲۷ سال دوم مورخ ۲۴ دی ۱۳۳۱			
کارگردانی نمایشنامه دیار اشکبار اثر نوزاد توسط کلاس	۱۲ و ۱۳	تیر	۱۳۳۱
تئاتر گیلان			
کارگردانی نمایشنامه مجاهد اثر نوزاد توسط کلاس تئاتر		مرداد	
گیلان (و اجرا در لنگرود، لاهیجان، فومن و اتزلی)			
کارگردانی نمایشنامه در راه مکه یا شهادت خواجه			
نظام‌الملک			
کارگردانی نمایشنامه قیام آزادگی			
جندایی از صحنه تئاتر			۱۳۳۲
صدور امتیاز روزنامه انسان سوسیالیست به نام فریدون		تیر	
نوزاد			
انتشار طلعه روزنامه انسان سوسیالیست و از بین بردن	۲۵	مرداد	
تمام نسخه‌ها توسط عوامل کودتا			
بنیانگذاری ماهنامه پادنگ		دی	۱۳۳۵
چاپ ششمین و آخرین شماره پادنگ		خرداد	۱۳۳۶
شروع به همکاری با انجمن ادبی صائب		فروردین	۱۳۴۲
همکاری با نشریات محلی و پایتخت			۱۳۴۲ تا ۱۳۶۰

همکاری با مجله وحید و چاپ چندین مقاله	۱۳۴۵ تا ۱۳۴۶
همکاری با مجله ارمغان و چاپ چندین مقاله	۱۳۴۸ تا ۱۳۵۵
بازنشستگی	۱۳۶۰ بهمن
چاپ شعر و مقاله‌ای در مجله آینده	۱۳۶۴ و ۱۳۶۵
چاپ تاریخ نمایش در گیلان - انتشارات گیلکان	۱۳۶۸
شرکت در کنگره بزرگداشت استاد دکتر محمد معین - دانشگاه گیلان	۱۳۷۰
مدیریت داخلی روزنامه تحول از شماره سوم تا ۱۵ شماره با صاحب امتیازی و مدیر مسئولی هنگامه مصفاei خمایی	۱۳۷۱ مرداد
چاپ چل تیکه - شرح حال و گزیده شعر شاعران گیلان به زبان گیلکی	۱۳۷۱
شرکت و سخنرانی در اولین سمینار بررسی فرهنگ و ادب گیلان با مقاله مخفی رشتی منجلی در دیوان متسبب به زیبالشای بیگم	۱۳۷۲ شهریور
چاپ نامه‌های احمد خان گیلانی - تصحیح و تحشیه - انتشارات بنیاد موقوفات افشار	۱۳۷۳
نگارش چهره مطبوعات گیلان و شرح حال گروهی از مشاهیر در (کتاب گیلان) به سرپرستی ابراهیم اصلاح عربانی	۱۳۷۴
شرکت و سخنرانی در کنگره بزرگداشت حزین لاهیجی با مقاله تبیعات حزین در غزلیات سخن سالاران	۱۳۷۵ شهریور
چاپ مهستی نامه - گردآوری، تصحیح و تحشیه - انتشارات دنیای نو	۱۳۷۷
چاپ تاریخ جراید و مجلات گیلان از آغاز تا انقلاب اسلامی - انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	۱۳۷۹
شرکت و سخنرانی در همایش اسب در فرهنگ ایران با مقاله نقش اسب در مذهب و اسب‌های تاریخی ایران	خرداد
چاپ دوم مهستی نامه - انتشارات دنیای نو	
شرکت و سخنرانی در همایش بزرگداشت باباطاهر در همدان با مقاله باباطاهر زبان عارفانه مردم ایران	شهریور

۲۵	آبان	شکرانه حضور - تقدیر از فریدون نوزاد - توسط حوزه هنری گیلان
۱۳۸۰	تیر	شرکت و سخنرانی در دومین همایش ملی فرهنگ‌شناسی - فرهنگ گیلان زمین.
	زمستان	شرکت و سخنرانی در همایش فرهنگ لر با مقاله خوشاوندی
۱۳۸۱	مرداد	شرکت و سخنرانی در نخستین همایش فرهنگی پژوهشی لنگرودشناسی با مقاله لنگرود نخستین پایگاه کشتی‌سازی ایران
	مهر	شرکت و سخنرانی در همایش بازشناسی نهضت جنگل با مقاله انگیزه‌های پراکندگی رزم‌آوران نهضت جنگل چاپ کتاب نقش احسان‌الله خان در نهضت جنگل، نشر حرف‌نو
		چاپ کتاب اسناد نهضت جنگل (بدون ذکر نام)، نشر حرف‌نو
۱۳۸۲	بهار	شروع سردبیری فصل‌نامه گیلان ما از شماره ۲ سال ۳ چاپ گیله گب - فرهنگ فارسی، گیلکی - انتشارات دانشگاه تهران
		شرکت و سخنرانی در همایش علمی انقلاب مشروطه در تبریز با مقاله نقش روزنامه‌های دوران مشروطیت گیلان و بیداری مردم
	آذر	انتخاب کتاب برتر و پژوهشگر نمونه برای کتاب گیله گب از طرف استانداری گیلان و دانشگاه گیلان و دریافت لوح تقدیر.
۱۳۸۳		شرکت و سخنرانی در همایش علمی انقلاب مشروطه در تبریز با مقاله عبدالحسین سردار محیی بزرگمردی از آزادگان مشروطیت
۵	آذر	انتخاب گلیه گب به عنوان اثر برگزیده اولین جشنواره ادبی دکتر معین
۱۳۸۴	دی	عضویت داوران جشنواره ادبی مسدجویان زندان‌های کشور

- ۱۳۸۵ چاپ دوم کتاب نقش احسان الله خان در نهضت جنگل،
نشر کتیبه گیل
- ۲۳ دی سومین همایش شعر گیلکی و تقدیر از فریدون نوزاد -
توسط هیأت اجرایی گروه گیلانشناسی خانه فرهنگ
گیلان در سالن نظام پزشکی
- ۱۳۸۶ چاپ کتاب گرانی و کمبود برنج در وقایع شهریور ۱۳۲۰
با همکاری دکتر عبدالکریم گلشنی - انتشارات بلور
- ۱۳۸۸ آذر استعفاء از سردبیری فصلنامه گیلان ما ۶
- ۱۳۸۹ آبان شکرانه حضور - تقدیر از فریدون نوزاد ۲۵
- ۱۳۹۰ چاپ گنجینه شامل شرح حال و برگزیده اشعار ۵۵ تن
از شعرای گیلان زمین با همکاری دکتر محمدعلی فائق.
بازخوانی و تحشیه نامه های گیلان، الکساندر خودزکو با
همکاری علی امیری توسط انتشارات فرهنگ ایلیا.
۱۳۹۱ تصحیح و تحشیه نگاهی تازه به مشروطه در گیلان اثر
انوشیروان نعیمی اکبر توسط انتشارات بلور رشت.
۱۳۹۲ از بنیانگذاران فرهنگ عامه در رادیو رشت (که اولین
برنامه در نوع خودش بود) همزمان با افتتاح رادیو رشت.
مرزداران گیلان
- برنامه های رادیویی
برنامه هفتگی شیر و خورشید سرخ گیلان
کارگردانی تئاترهای هفتگی
ادب گیلان (در دهه پنجاه)
کارشناس تاریخ جنگ خزر همزمان با افتتاح تلویزیون
گیلان
جنگ باران در ۱۳ قسمت در رابطه با آداب و رسوم
نوروزی
- برنامه های تلویزیونی

ما به گیلان بدهکاریم

زندگی نامه خودنوشت استاد فریدون نوزاد^۱

بر امواج خروشان و بی آرام اقیانوس هستی به روز آدینه ششم بهمن ماه ۱۳۰۱ خورشیدی قاصدکی سبک تر از باد و بی وزن تر از موی فرو نشست و آن قاصدک بی وزن و مقدار من بودم، فریدون نوزاد، زاده شده در کوی درویش مخلص شهر پیشرفته و نمونه زمان خود رشت، شهری که عروس ایران و استان یکم آن بود و به مرحمت اولیاء محترم امور و لطف سرشارشان به استان آخر کشور مبدل شده است و تا آخرین لحظه هستی مرا به آن افتخاری به سزااست.

پدرم، زنده یاد حسین نوزاد از بزرگ مردان روشنفکر زمان خود بود و مادر گرانقدرم نیز زندگی را چون او می شناخت و همگام با شوی پاکبازش رهپوی هستی، می رفتند تا به کمال سرنوشت دست یابند، و من در محیط پرورشی چنین بزرگوارانی رشد یافتم و در زادگاهم به مدرسه رودکی، نمره ۴ نام نویسی کرده و به تحصیل پرداختم. آموزگاران دلسوز، مهربان و شریفی که رمزمه محبت بر زبان و لب داشتند آموزش ما را عهده دار بودند، آن بزرگواران راه و رسم زندگی را به ما آموختند و راه و روش دانش و در رفت از لایرنت های هستی را به ما نمودند، من تا واپسین نفس، خویش را و امدارشان می شناسم.

از دبستان به دبیرستان آمدم دوره سه ساله نخست متوسطه را در دبیرستان شاهپور و قآنی شهر رشت به سر آوردم، این سال ها برای من بیش از حد دلپذیری

۱. نوزاد، فریدون؛ ادب مداری از اهالی هنر (زندگی نامه خودنوشت استاد فریدون نوزاد)، گیلان، سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۸۹.

و سازندگی داشت، زیر دست بزرگ مردان مجتبی عشقپور، سرمست، بینشپور، پرویز ناتل خانلری، احتشامزاده، هندی و بسیار دیگر چون اینان تعلیم یافتم، مردانی که ما را آینده‌نگر نمودند، جوانی را به ما نمودند که توصیفش مشکل است حالا اگر ما نتوانستیم این جهان را بشناسیم و خود را در متن آن بکشانیم امری جداست، عیب و اشکال در ما بود نه رهنمودهای آن پاک نهادان آزاده.

دوره دوم دوران تحصیلی خود را تا اخذ دیپلم در دبیرستان نظام تهران به سر آوردم، در این پایگاه مقدس هم از استادانی فاضل و نامور چون عبدالعظیم خان قریب گرگانی و جلال الدین همایی، عباس پرویز، محمد جواد تربتی و دیگر افاضل گرانقدری که نامشان از یاد رفت، ولی یادشان بر جان و دل استیلا دارد سود جستم و معرفت اندوختم تا آنجا مدیون این دانشمندان هستم (که اگر سر برود مهرشان از جان نرود)...

در سوم شهریور ۱۳۲۰ که شومی آن تا همیشه تاریخ برگ‌هایی از تاریخ استقلال خواهی و پایداری ما را تیره می‌دارد، من در رشت دوران مرخصی تابستانی را می‌گذرانیدم، با این که راه‌ها در اشنال نیروی متخاصم بود توانستیم با رنجی گران که خود داستانی است دل خراش خود را به تهران رسانیده و به دبیرستان معرفی نماییم ولی در سال ۱۳۲۱ که به مرخصی تابستانی به شهر خود آمدم از بازگشت اعراض کردم، من از دمی که در دبیرستان نظام تهران نام می‌نوشتم می‌دانستم روحیه نظامی شدن را ندارم ولی خوب سرنوشت این را خواسته بود و از آن گریزی نبود، یکسال تمام اشغال ایران و بلایا و مصایبی که به واقع باید گفت لمس کردیم، جرئی بخشید تا با خواسته سرنوشت مبارزه کنم.

مردم از لحظه ورود قوای بیگانه به مبارزه با زورگوئی‌های ناخواندگان منفعت جو و استبداد شاهی و سر و سامان دادن به پریشیدگی و بر خورداری از یک محیط و زندگی آزاد احساس نیاز به تشکیل حزب نموده و به بنیاد احزاب پرداختند، من در لباس نظام دیدم و یقین کردم «یدالله مع الجماعه» است و به این

باور رسیدم بهتر و زودتر می‌توان به آزادزیستی دست یافت، جامعه بدون حزب به هر حال ممکن است با فشار و خودسری دولت‌های خودکامه روبرو شود و اساساً مشروطیت بدون حزب و تحزب معنی و مفهوم ندارد، مجلس بدون فراکسیون‌های حزبی بدانسان که شایسته است نمی‌تواند مدافع حقوق ملی باشد، یک مجلس حزبی به هیچ گاه نمی‌تواند از برنامه‌های ارائه شده حزب خود عدول و نکول داشته باشد و از نظر انتخاباتی هم چون مردم به حزب و برنامه‌هایش رای می‌دهند نه به فرد، همیشه از سردرگمی‌ها و بررسی‌های فردی که اشتباه‌آمیز خواهد بود برکنار می‌ماند، تنها با انتخابات حزبی آن مجلس آرمانی شکل‌پذیر می‌تواند باشد و آنچه را که مردم می‌خواهند، می‌توانند به آن برسند. با چنین آرمان و اندیشه به حزب روی آوردم، البته به حزب میهن پرستان، که با دو ادغام به میهن و سپس حزب ایران تغییر نام داد، پیوستم، و خود به استناد اعتبارنامه‌ای که از حزب میهن پرستان داشتم یکی از پایه‌گذاران حزب میهن در رشت شدم. متأسفانه احزاب ما در آن دوران نتوانستند بدانسان که ضروری و لازم بود عمل کنند و این موردی دردناک در سرنوشت ایران بود که مرا از ادامه تحزب محروم ساخت.

از سال ۱۳۱۶ با شرکت در کانون‌های هنری و ادبی و تاریخی دبیرستانی وارد عالم تئاتر و تحقیق شدم و تا سال ۱۳۳۲ در راه تئاتر شرکت فعالانه داشتم و لی رویداد ۲۸ مرداد ماه این سال برای همیشه منجر به پا کشیدن از سن تئاتر گردید، هم چنین از اولین گروه کارکنان و مجریان صدای گیلان و پس‌تر تلویزیون بوده‌ام، تقدیرنامه بسیار شایان توجهی در این دوره از تهران دارم، چون اکثر برنامه‌های من (مرزداران ایران)، (برنامه هفتگی شیر و خورشید سرخ گیلان)، (ادب گیلان) و یکی دو عنوان برنامه و به‌ویژه فرهنگ عامه ابتکاری بودند، تقدیرنامه مورد بحث بیشتر برای این برنامه بومی و فولکلوریک بود که در عین حال به رادیوی صدای گیلان دستور داده شد از آن به تعداد تمام فرستنده‌های آن زمان نوار آماده کرده و به دیگر استان‌ها بفرستند و هم زمان آنها را ملزم ساخت تا

همراه ما خود دست به تهیه چنین برنامه‌هایی زده و به پخش آن پرداختند.

در تیرماه ۱۳۳۰ به استخدام بانک بازرگانی ایران، نخستین بانک خصوصی ایران که بنیاد گزارش شادروان مصطفی تجدد بود درآمد، من به شمار صد نفر اولیه بانک بودم.

از دی ماه ۱۳۳۵ تا خرداد ۱۳۳۶ به یاری مادی و معنوی زنده یادان سرهنگ اسحاق شهنازی، محمدعلی لاکانی، منوچهر معاون و فاضل مرد حقوق دان محمود پورصالح متخلص به ترانه سنج و آقای فریدون تحویل‌داری، ماهنامه پادنگ را با استفاده از امتیاز نامه هفتگی نامه طالب حق بنیاد گزاردم، این ماهنامه چه در آن زمان و چه هم اکنون از نشریات ارزنده و صاحب مزیت بود و باقی مانده است، در اختلافی میان من و زنده یاد اشتری (احمدخان) استاندار وقت در انجمن ادبی گیلان در گرفت، به خواسته ایشان به بهانه ضمیمه بودن به توقیف و تعطیلی گرائید. در ۱۳۲۲ با همکاری صمیمانه آقایان اسحاق شهنازی، عباس اخوان تقوی و موافقت مهرورزانه آقای کسروی رئیس کل فرهنگ گیلان در سالن مدرسه فروغ رشت، انجمن ادبی گیلان را پی‌ریزی کردیم و پس از زنده یادان فاضل بانو سرور مهکامه محمصص، حضرت آیت‌الله حاج شیخ یوسف نجفی حیلانی، رضا شاد، حاج اسماعیل دهقان، سید ابراهیم صالح و صاحب‌نظران دیگر به ما پیوستند، جالب است که گفته شود اولین گردهم‌آیی شعرخوانی توسط این انجمن در رشت صورت گرفت و دولت شوروی چون آن را منافی منافع خویش تلقی نمود به تعطیلی اش دست یازید.

از سال ۱۳۱۹ با جامعه مطبوعات همکاری آغاز نمودم و هنوز هم به این همکاری ادامه می‌دهم به ویژه با فصل نامه «گیلان ما» و دو فصل نامه «ره آورد گیل» که صاحب امتیاز هر دو نشریه گرانقدر را آقای دکتر محمدعلی فائق اخذ نموده‌اند.

بیش از صد و پنجاه عنوان مقالات تحقیقی، سیاسی، اجتماعی و ادبی دارم که درج‌راید گیلان و مجلات مهم کشور چون وحید، ارمغان، پادنگ، و آینده به چاپ

رسیده و مورد استفاده قرار گرفته و می‌گیرد، این مقالات جدای از فراوانی مقالاتی است که در جراید گیلان دارم، سردبیری سه و چند نشریه هم با من بوده است. تالیفات چندی به شرح زیر دارم:

در راه مکه یا شهادت خواجه نظام‌الملک: (نمایشنامه): دوبار در رشت و گیلان به اجرا گذاشته شد، (محکومین محیط یا کارمند) فقط در رشت اجرا گردید و چند نمایشنامه دیگر که به صورت دستنویس در گوشه‌ای خاک می‌خورد.

سالنمای هنر: تقویمی از هنرآفرینان گیلانی که برای اولین بار در رشت به چاپ رسیده و بعدها مورد تقلید و تکمیل قرار گرفت.

تاریخ نمایش در گیلان از آغاز تا ۱۳۳۲: این کتاب اگر چه با غوغا فکری برخی‌ها و مافیای جنجال آفرین روبرو گردید، خوشبختانه به شمار کتب منبع جای دارد و باز هم اولین کتاب در نوع خود در سراسر ایران است و پس‌ترها محققان محترم مرکز و استان‌ها در این راه گام زدند.

چل تکه: تذکره‌ای قومی و بومی، شامل شرح احوال و نمونه اشعار پنجاه و یک تن از گیلکی سرایان صاحب نام است، این کتاب نخستین متن ادبی گیلکی از برگ نخست تا پایان برگ ۲۲۳ است. نثر گیلکی این کتاب رتبه والایی دارد، تا آنجا که می‌تواند سرمشق گیلکی نویسان قرار گیرد.

نامه‌های خان احمد خان گیلانی: این کتاب یکی از متون سیاسی تاریخی و ادبی سده ده هجری است، در بردارنده ۱۲۹ نامه از خان احمد کیانی به شاهان و بزرگان و مردم عادی و از دیگران به اوست، اصل مجموعه به شماره ۹۱۵ ب / ۳۲۹۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه موجود است، تنها ده نامه که از منابع دیگر به دست آمده بود به متن افزوده شد، اهمیت کتاب فوق همین بس که به سال ۱۳۷۳ خ در مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی به زیور چاپ و نشر آراسته شد، یکی از ویژگی‌های این کتاب، ۱۲۰ صفحه نمایه

و استدراکات است که با کوشش فراوانی تهیه و به متن افزوده شد و خواننده را از مراجعه به کتب و مقالات و صرف وقت بی‌نیاز می‌دارد.

تاریخ جراید و مجلات گیلان: از آغاز تا انقلاب اسلامی، تالیفی تحقیقی و اجتماعی است که برای نخستین بار در سراسر ایران من به این کار استانی دست یازیدم، اگر چه بسی دیر ولی سپاس خدای را که در سال ۱۳۷۹ توسط سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ و نشر گردید، در این کتاب که منبع و مرجعی ارزنده برای محققان است ۱۵۵ عنوان نشریه معرفی شد که امروز حتی نمونه برخی از آنها در کتب خانه نیز یافت نمی‌شوند، بدین آرمان هستم که با چنین خدمت ارزنده، به جامعه گیلان، ذره‌ای از دین سنگین خویش را به زادگاهم پرداخت کرده باشم. در این کتاب چند نشریه چاپ خارج از گیلان که مدیران آنها گیلک بوده‌اند، و همچنین چند عنوان نشریه ادواری هم معرفی شده‌اند که اعتباری به کتاب بخشیده است.

نقش احسان‌الله‌خان در جنبش جنگل: اثری تحقیقی و تحلیلی و تاریخی، در این کتاب من سرخ‌ها و گیلان سرخ را به چالش کشیده‌ام و اساساً بر این باورم که چهره راستین و مظلومیت شایان احترام میرزا کوچک جنگلی را نمی‌توانیم بنگریم، مگر پس از شناخت چهره یاران نزدیک او در آینه اسناد و مدارک.

این شناسایی را نخست از احسان‌الله آغاز کردم که نقش‌آفرینی شگفتی داشت، و اگر زمانی باقی ماند به شناساندن حاج احمد کسمائی که نوشتن آن به پایان آمده، تنها نیاز به بازبینی دقیق‌تر و ویرایشی دگر دارد، و سپس به خالوقربان، دکتر حشمت، هیئت اتحاد اسلام گیلان خواهم پرداخت، این کار بزرگ باید زیر نظر محققان و به صورت گروهی و بدون تنش و اعلام نظر بیطرفانه انجام گیرد و دریفا که چنین گردهمایی دست نمی‌دهد، که من به هر صورت به وظیفه خویش عمل خواهم کرد و چشم امید به عنایت دیگر علاقه‌مندان با ارسال اسناد و مدارک دست اول دوختم تا به یاریم برخیزند.

مجموعه اسناد نهضت جنگل: بازخوانی اسنادی از نهضت جنگل با چاپ اصل سند، اگر چه در پیشگفتار کتاب آمده است که اسناد مندرج در متن توسط آقایان «استاد جعفر خمami زاده - فریدون نوزاد - سیدمحمدتقی میرابوالقاسمی، مهندس روبرت واهانیان و افشین پرتو» بازخوانی و دگر باره نویسی شده است ولی به شهادت هر چهار نفر دیگر، نامبردگان گواهی می‌دهند من شخصاً به این کار دست یازیده و به اتمام رسانیده‌ام و با این کار گوشه‌ای از تاریخ پرتلاطم خیزش جنگل را روشن ساخته‌ام.

گیله گب: فرهنگ بزرگ زبان مادری و بومی است که نزدیک به شش هزار واژه را در بر دارد و حاصل ۲۵ سال کار می‌باشد، البته نه به صورت مستمر و مداوم، دوست می‌داشتم این کتاب به صورت گروهی و یاری و هماوایی صاحب نظران در چهره یک دانشنامه بزرگ و مستند تقدیم جامعه ادب ایران و گیلان گردد که دریغا چنین نشد. بزرگواران ما، کمتر کار گروهی را باور دارند، برای کار فردی ارج و احترام بیشتری قائل‌اند و به درستی می‌دانم برخی از این دانشوران اندیشمند کارهای پرارزشی هم کرده‌اند، ولی با توجه به مضایق نشر و احیاناً بی‌مهری ناشران و فقدان سرمایه شخصی، تاکنون به چاپ نرسیده و در دسترس و استفاده مشتاقان قرار نگرفته و معلوم نیست که با چه سرنوشتی روبرو شوند، این بود که خود را موظف دانستم آنچه را آماده کرده‌ام به اختیار جامعه قرار دهم، نگذارم واژه‌های فراوانی از زبان یک قوم دیرین سریعاً به فراموشی سپرده شود، از دانشگاه گیلان یاری جست و با محبت ویژه‌ای که جناب دکتر محمدکاظم یوسف‌پور، رئیس وقت دانشکده ادبیات ابراز فرمودند، نسبت به چاپ آن اقدام به عمل آمد، پس از انتشار گילה گب در سال ۱۳۸۲ از طرف استانداری گیلان من به عنوان پژوهشگر نمونه، و از طرف دانشگاه گیلان، پژوهنده برتر و کتاب نیز به عنوان کتاب برتر، دو لوح تقدیر بهره‌ام نمود، و به خدمتی که انجام داده‌ام مفتخر گردیدم.

کتاب گילה گب با تمام شکسته نفسی‌هایی که ابراز می‌دارم، یک فرهنگ کم

نظیر و جامع گیلکی است نه یک واژه نامه معمولی، و متأسفانه هم اکنون نیز با متقاضیان زیادی که به لزوم آن در خانواده پی برده‌اند، نیاز به داشتن آن دارند نایاب است و با افزایش بیش از هزار و اندی واژه، با چاپ دیگری خواسته عاشقان زبان گیلکی است که متأسفانه با سختگیری‌هایی که در چاپ می‌شود این کار میسر نیست و بماند تا روزی که این گونه سختگیری‌ها به مهر از میانه برخیزد.

سخن در چاپ و یا عدم چاپ نیست، سخن این است که لغت نویسی نمی‌تواند مشمول مقررات چاپی قرار گیرد و به عنوان حفظ اخلاق، لغت‌نامه نویس حق ندارد به میل و خواسته خود یا دیگران واژگانی را کسر یا اضافه نماید، واژه‌ها ساخته‌های قراردادی و در عین حال خودجوش اقوام و مردم است و در جان جان هر جامعه‌ای ریشه دوانده است و نباید و نمی‌تواند هم هیچ معنی را برتابد و پذیرا گردد، چون بیان معنی است و تا در جمله‌ای قرار نگیرد و مفهوم خاصی القا نکند هیچ ضرر و زیان اخلاقی و اجتماعی را باعث نمی‌شود. واژه‌ها مصالح اصلی ساختمان زبان است و ما نمی‌توانیم با حذف آنها بنیاد زبانی را مست و ناپایدار نموده و حتی زیباسازی زبان را آسیب پذیر کنیم که خود بحثی بسیار طولانی و جد است.

اخیراً می‌کوشم کتاب گیله گب را به صورت دانشنامه‌ای ولو ناقص آماده کنم تا عمر چه یاری فرماید و در این جا لازم می‌دانم به جوانان و پژوهشگران ژرف‌نگر گیلک بگویم: هنوز ما در آغاز راه گیلان شناسی کام بر می‌داریم، لزوماً باید ما و منی را به کناری افکنیم تا به ستیغ دست یابیم، فرصت‌ها بسیار کم و زودگذرند، هر چه تعلل ورزیم به چند برابری که در اندیشه می‌گنجد زبان می‌بریم، بیایم صادقانه و صمیمانه این زبان را از خود دور نماییم.

ما به گیلان بدهکاریم، برای پرداخت این دین موجودی کافی هم به اختیار داریم فقط همت می‌طلبد و عشق و ارادت می‌جوید، چنانچه درون را از خودبینی پاک کنیم حتماً پیروزی به ما لبخند خواهد زد، ایدون باد.